

زن ایرانی کنیز ارتجاع نخواهد شد

از تصادف روزگار در دست روز سوم مرداد که ارتجاع حاکم بر کشور، گروهی جوان و نوجوان فریب خورده و مسخر شده را در سراسر کشور برای راهپیمایی علیه آزادی و حقوق زنان به خیابانها کشانده بود، بانو "سولانا ساوتسکیا" مهندس فضا نورد اتحاد شوروی که از هفته پیش از آن به همراه پنج مرد فضا نورد در سفینه کیهانی "سالیوت ۷" پیسری می برد، برای مدت سه ساعت از سفینه خارج شد و در فضای کیهانی بلمک یک دستگاه قابل حمل، کارهای تکنولوژیک - بفرنجی را در رشته بریدن و جوش دادن فلزات انجام داد.

در روی زمین، در میهن نکبت رده ما، گروهی پسر بچه و دختر بچه گول خورده دم گرفته بودند و جیغ می کشیدند: "ای خواهر سلطان زینت ما حجاب است زنی که بی حجاب است دشمن انقلاب است". و در فضای کیهانی، زنی از کشور شوراها، که در آن برابری کامل حقوق زن و مرد تأمین شده است، مشغول کاوشهای بی ارزش علمی برای رقم زدن آینده بشریت بود.

و نام این جیغ کشید نهایی گوشخراش علیه حقوق طبیعی و انسانی زن را گذاشته بودند "راه پیمایی بمنظور پاسداری از حرمت و کرامت زن سلطان و برای تحکیم سنگر حجاب". اما هدف سازمان دهندگان این راهپیمایی ها علاوه بر سرپوش گذاشتن بر بی کفایتی خود برای حل مسائل مبرم کشور، تهدید و ترساندن زنان بقیه در صفحه ۲



دوره هشتم - سال اول - شماره ۹
پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۳
بها ۲۰ ریال

پیرامون دیدار وزیر خارجه آلمان فدرال از تهران چرخش بسوی غرب

سفر وزیر امور خارجه یک کشور بکشور دیگر ظاهراً امریست عادی. ولی سفر هانس دیترش کنسرتور ویرا امور خارجه آلمان فدرال به ایران، مذاکراتی که در آنجا بعمل آورده است، نطق - هائی که ایراد شده و تفسیر هائی که در ابسن زمینه منتشر گردیده است، این مسافرت را از چار - چوب یک دیدار عادی خارج م کند. کنسرتور این سفر را کمشنری برای جلب ایران به سازمان امنیت معربی در، مقامات ایرانی و از حیطه غنی جامعه ای رئیس جمهوری اسلامی و هاشمی رفسنجانی نیز به تصریح و تلویح این معنی را ناید کرده اند بسیاری از روزنامه ها و مفسرین غربی نیز این سفر را نشانه چرخشی در سیاست ایران بشمار می آورند و توصیه می کنند که دولت های غربی به سبب روابط با رژیم اسلامی و کوشش برای خروج آن از انزوای سیاسی ادامه دهند.

دیدار وزیر خارجه آلمان فدرال کامیست بر برگ در جهت نزدیک شدن به جهان امپریالیستی و انصراف غنی از سیاستی که لااقل هنوز در حرف از آن حمایت میشود. در واقع سیاست خارجی - ۱۰۰ از مدت ها بالنسبه طولانی در راه تغییر ماهوی است. در دو سال اخیر، سران ج ۱۰۰، آهسته ولی پیوسته، گام به گام در جهت نزدیکی به جهان سرمایه داری غرب و احیاء بند وست ها و پیوند های قدیم با آن کام برداشته اند. بسیاری از قرارداد های رژیم گذشته با دولت هسنا و انحصارات سرمایه داری، که پیروز انقلاب، بران - بخش و استقلال شکن معرفی می شدند، بند ریم احیاء شده اند، و حتی برخی از آنها، با مواد و مقررات بران بخش تری تکمیل گردیده اند. علاوه بر این یک رشته قرارداد های جدید، به ابتکار جمهوری اسلامی با دولت ها و انحصارات غربی.

متعقد شده اند که از نظر شرایط بسیار زیان بخش از قرارداد های متعقد در دوران رژیم گذشته اند. دولت ج ۱۰۰ سرعت آزادی عمل خود را در عرصه سیاست خارجی از دست مید - هد، بطوریکه امروز، اگر از رجز خوانیهای سخنان - نان نماز های جمعه بگذریم، با دولت روسیه و هشتم که در حصار تنگی زندانی است و زندانی - نیانان، یعنی دولت ها و انحصارات امپریالیستی حواست های خود را، با اشکال گوناگون به آن تحمیل می کند و او هم، این تحمیل را با طیب خاطر می پذیرد.

از سیاست نه شرقی نه غربی، که مدتها حکام ج ۱۰۰، آن را به عنوان ستون فقرات سیاست خارجی خود معرفی می کردند اثری باقی نمانده است. از مبارزه یا غریزگی دیگر سخنی در میان نیست. بالعکس آنچه امروز از آن صحبت میشود، شیوه ها و طرق بسط و تحکیم مناسبات با غرب است. بدیهی است که ما با استقرار روابط بسط مننی بر احترام مغایل، و تساوی حقوق و منافع بسحوی که استقلال و آزادی کشور ما از آن ریان سند، مخالف نسیم. ولی بدبختانه سیاست خارجی امروزی جمهوری اسلامی، که در اساس ادامه سیاست خارجی رژیم گذشته است، بسا استقلال، حقوق و منافع ملی کشور ما سارگاریست این سیاستی است که به استقلال ملی ما لطمه میزند، راه تکامل اقتصاد و اجتماعی کشور ما را می بندد، و حداقل آن را از رشد مضوارن محروم می کند، و بالاخره این سیاستی است که ملی، ضد استقلال و اسارت آور.

وزیر خارجه آلمان فدرال، نه تنها به عسوارن مابنده آلمان فدرال، بلکه بعسوارن نماینده کشورها بقیه در صفحه ۲

"نامه مردم" خاری در چشم ارتجاع

پس از انتشار "نامه مردم" در دوره اخیر، نامه های متعددی از طرف اعضا و هواداران حزب، به رسم تیریک و شاد باش به هیئت تحریریه رسید، که خلاصه برخی از آنها را با هم مسروری می کنیم. البته انتشار کامل همه نامه ها ممکن نیست. اما مضمون کلی آنها بیان خوشحالی رقتا از ادامه مبارزه حزب، علیرغم پیروشهای بی دریغ و ضربات متعددی است که از سوی ارتجاع و نیرو - های ضد مردمی و ضد نمونسی بر پیکر ساور و پهلوانی آن فرود آمده است. بقیه در صفحه ۶

امنیت برای مردم یابرای سرمایه داران؟

آقای مهدوی کنی در بحثی پیرامون امنیت و ضرورت آن در جامعه، از جمله گفت: "امنیت دو گونه است. یک نوع امنیت گورستان داریم که در بهشت زهرا الان هست و آن قبلاً هم بود و هیچ مرده ای با مرده دیگر دعوا ندارد و هیچ صدائی هم در آنجا در نمی آید و هیچ مرده ای هم به قبر مرده پهلوانی اش لگد نمی زند و همسه جوابیده اند، چون زنده های در آنجا نیست که صدایش در بیاید." (نوع دوم) امنیت، یعنی وقتی من در خانه ام هشتم و خوابیده ام یا در محل کارم هشتم و یا در حیابان راه می روم و در هر کجا که هشتم بدانم همه چیز محفوظ است و حتی من نصیب نمی شوم. این یک امنیت واقعی است." (ج ۱۰۱، نیر ۱۳)

در ضرورت وجود امنیت در جامعه نرد پندی نیست. اما سخن بر سر آن است که صبیسی اصلی بی امنیتی کدام گروه و طبقه اجتماعی است؟ امنیت واقعی چگونه قابل دسترسی است؟ امنیت بقیه در صفحه ۱

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

چرخش بسوی غرب

بقیه از صفحه ۱

بازار مشترک به ایران سفر کرد. او علاوه بر ایسن و طبعه خود مذاکراتی که برای آشنی میان ایران و ایالات متحده صاجگیری کند. جوابی که او از ایران گرفت امید حشر بود. به این معنی که سران ج ۱۰ ضمن تکرار گله های خود از آمریکا، به وزیر خارجه آلمان فدرال فهماندند که طبرغم حملات سرو ضد بر صدام آمریکا در رسانه های گروهی ایران و طبعه های تندبالحس علیه آن کشور، دولت ایران در صدد تجدید نظر در سیاست خارجی خود و کشودن پمچرها به سوی عرب و به سوی امریکاست. همین قول و قرار برای وزیر خارجه آلمان فدرال کافی بود. زیرا او و هیچکس دیگر توقع نداشت و ندارد، که سران ج ۱۰ یکشبه، سیاست خود را در قبال "شیطان بزرگ" دگرگون کنند. و از طرف دیگر، احتیاطی که مقامات دولتی ایران در تغییر سیاست خارجی خود مرعی می دارند، نباید موجب شود که عمق ایسن تغییر و هدفهای استراتژیک آن، از انظار مخفی بماند. باید توجه داشت که یک چرخش بزرگ به سمت راست، به سمت جهان سرمایه داری و بسوی امپریالیسم در جریان است. این در حقیقت محصول سیاست ارتجاعی داخلی رژیم است. اصولاً یکی از هدفهای اساسی قلع و قمع نیروها

د موکراتیک و ضد امپریالیستی آن بود، که ضد انقلاب بتواند در موقع مناسب، دستاوردهای انقلاب را در زمینه ضد امپریالیستی رسیبگذارد و کشور را دوباره به مدار نفوذ امپریالیسم بازگرداند. این روند اکنون در حال تحقق است و سفر وزیر خارجه آلمان فدرال نخستین اقدام عینی و رسمی در این زمینه است. یکی از عواملی که رژیم را به این چرخش در سیاست خارجی واداشته، جنگ نامرچام با عراق است. در میان سران ج ۱۰ افرادی وجود دارند که تصور می کنند راه سرنگون کردن صدام یعنی هدف رسمی جمهوری اسلامی - نزدیکی به غرب و مصرف ساختن آن از کمک به عراق است. اخیراً هاشمی رفسنجانی که بتدریج به سخنگوی اصلی رژیم در نظام زمینه های سیاست داخلی و خارجی بدل شده است اظهار داشت، کسه صدام حسین، اکنون در همان حالی بسر میرد، که شاه در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ بسر میرد. ابراز عقیده کرد، که رژیم اسلامی باید همان سیاستی را که آنتوق در قبال شاه در پیش گرفت، اکنون در برابر صدام در پیش گیرد. او در ادامه سخن خود فهماند که جمهوری اسلامی باید برای مصرف ساختن غرب از کمک به صدام، با آن به نحو مرضی الطرفین کنار بیاید. این یکی دیگر از میوه های تلخ جنگی است که رژیم ارتجاعی ولایت فقیه مانع از خنم آست. بعد از چهار سال جنگ و تحمل خسارات عظیم جانی و مالی،

و ویران شدن صدها شهر و دهکده و بهلاکت رسیدن صدها هزار انسان بیگناه، اکنون سران ج ۱۰ در صدد آنکه به سیاست نیهکارانه خود ابعاد تازه ای بدهند. به عارت دیگر به غرب رشوه بدهند که دست از حطاب صدام بردارد. این رشوه عارت خواهد بود از حراج منابع ثروت ملی کشور ما به نفع امپریالیسم، به عنوان مصرف کردن آن از حمایت از صدام. ایسن سیاست نه تنها نیهکارانه، بلکه در همان حال ابلهانه است. این سیاست به معنی تشویق کشورهای غریب به شاناز و اعمال فشار به ایران است. و این همان سیاستی است که آنها مدت هاست مشغول اعمال آنند، و اکنون رژیم خود نیز آب به آسیاب آن میریزد.

ما به مردم ایران هشدار میدهم. توطئه بزرگی بر ضد استقلال، آزادی و خاکمیت ملی کشور ما، به وسیله امپریالیسم ععال و دست نشانندگان ارتجاع در حال تکوین است. باید هشیار بود و برای خنثی کردن این توطئه و افشا عاظمین آن کوشش کرد. باید نقاب از چهره خائنینی که تا کنون مزورانه شعار "لا شرقیه الا غریبه" سرمی دادند و در حقیقت چیزی جز ععال نقابدار امپریالیسم نبودند برداشت. باید آنها را به مردم معرفی کرد. این ضربه بزرگی خواهد بود بر پیکر رژیم بنیاد گرای بی بنیادی که چهل میلیون مردم کشور ما را به برده بدل کرده است.



زن ایرانی کنیز ارتجاع نخواهد شد

بقیه از صفحه ۱

بود. بدین جهت بود که دیده شدن تارمبوی زنان را "توطئه استکبار جهانی در اشاعه فحشا" و مظاهر شرک و کفر" می خواندند و تهدید های آنچنانی میکردند و میگفتند "با بی بند و باری مائز از فرهنگ طاغوت مبارزه خواهند کرد و بالاخره به زنانی که "رعایت حجاب و موازین اسلامی" را نمی کنند هشدار می دادند کسه "امت شهید داده تحمل اینگونه حرکات را نخواهد کرد".

در تهران راه پیمایان را بسوی میدان ولی عصر هدایت کردند و در آنجا نخست نامه ای را که "شورای تبلیغات اسلامی" بنام خانواده های شهدا تهیه کرده بودند خواندند. "شورای تبلیغات اسلامی" در این نامه جمعی بی حجابی را توطئه "شرق و غرب" توصیف کرده و می نویسد: "جامعه ای که منتخر به داشتن امامی هشدار و مقاوم در برابر توطئه هاست اجازه خواهد داد آثار خون شهدا با توطئه های شرق و غرب باطل شود". در نامه ای از مسئولین محترم حواسنه شده است "با کسانیکه سب و آزار می نویسد بی توجهی رعایت حجاب را نمی کنند با ارشاد و راهنمایی و با کسانیکه بدستور شرق و غرب آنرا رعایت نمی کنند برخورد". "نمایند" منظور از گروه دوم زنانی هستند که به هنگام "ارشاد شد" حماقت ارشاد کنندگان را یادآوری می شود.

سهیل خانم دباغ نماینده مجلس در سخنرانی

زحمتکش و روشنفکر ایرانی بود که دیگر حاضر نیستند در جهانی که زنان از بند رسته کشور های سوسیالیستی دوشید و ش مردان در تمام عرصه های زندگی اقتصادی و اجتماعی و علمی و حتی در فضای کیهانی شرکت دارند، با آنان مانند بردگان و کنیزان حرصها رفتار شود، دخترکان هشت - نه ساله شانرا بزور بچسبند از دواج پیر مردان ۶۰ - ۷۰ ساله در آورند، به چند هسری مردان و به راه انداختن حرصها و صیغه کردن زنان نگون بخت گردن نهند و بسا ننگ نیمه انسان به حساب آورده شدن آشتی کنند.

آنتورکه از واکنش خشم آلود سران رژیم پیدا است، مبارزه زنان ایرانی علیه ارتجاع حاکم در ماههای اخیر دامنه گسترده ای به خود گرفته بوده است. وگرنه اگر صحبت برسر تعداد انگشت شماری زنان روشنفکر بود که موی سرشان دیده می شده است، سازمان دادن راهپیمایی راسری همراه با ناسزاگویی و تهدید های شدید بیومی داشت.

راه پیمایی ها به ابتکار "شورای تبلیغات اسلامی" سازمان داده شده بود. همزمان سخنرانی ها و شعای را هم همان شورا از قبال سه کرده بود. به دیگر سخن، آنچه که گفته می شده نظر امت همیشه در سحنه "بلک" خواستهای روحانیون مرتجع و خائن به انقلاب

خود مدعی شده چادر و چاقور جز "ارزشهای الهی" و خواست زیستن با حقوق انسانی از جمله "ارزشهای طاغوتی" است. رادیوی تهران جطلمی از خانم دباغ نقل کرد که بسیار با معنی است. خانم نماینده از مردم خواست که دست مسئولین را برای مبارزه با مظاهر عدم رعایت موازین اسلامی باز بگذارند و در کارهایشان دخالت نکنند. از اینجا می توان چنین فهمید که وقتی پاسداران جهل و نابخردی به زنان توهین می کنند، مردم کوچک و خیابان به دفاع از زنان بویخیزند و به گزه های شلاق بدست رژیم اعتراض می کنند و مانع از انجام "بی خد شه" وظایفشان می شوند.

در گرد همایی تهران سهیل پیام جعلی دیگری که "شورای تبلیغات اسلامی" بنام "رزمندگان جبهه ها" تهیه کرده بود خوانده شد که در آن باز به زنانی که "رعایت موازین اسلامی" را نمی کنند "هشدار داده شده بود که خود را آلت دست دشمنان نکنند" وگرنه چنین و چنان خواهد شد.

آقای امامی کاشانی "سخنران اصلی کرد همآهید بد های خود را بصورت دیگری سان کرد. او پس از آن انکدامی پوچ که گویا "تایید حجاب از بی بند و باری و انحراف جوانان جلوگیری می کند"، با ناطه گرفتن احطاطات اخلاقی بسیار ناپسند در دوران پیش از کشف حجاب در ایران افزود: "آدمسته از زنان که سبیت به مسائل جامعه بی تفاوتند باید واقف گردند که در جامعه -

بقیه در صفحه ۵

از زبان پارسی و فرهنگ ملی ایران حراست کنیم

بوده است.

ولی سخن بر سر این نیست. سخن بر سر تبری جستن از زبان فارسی و تسک مصنوعی، نامعقول و مخل به زبان عربی و به عبارت دیگر دشمنی با یکی از مظاهر هویت ملی ماست. کار سبک مغزبان متحجر در این رهگذر گاهی بسه ابتذال تام می‌کشد. مثلا در نظر آنها "خانه امام" گفتن ممنوع است. هر کس بگوید "خانه امام" پای اسلامیش می‌لنگد. باید حتما گفت "بیت امام". ظاهر کاربرد "بیت" بجای خانه نشانه طهارت و قدسیت اقامتگاه رهبرشان و اسلام خواهی هواداران است.

دشمنی بنیادگران با زبان پارسی محدود به استعمال ناموجه واژه‌های عربی نیست، در مقالات روزنامه‌های آنها و در نطقهایشان بحد و فور جملات عربی بکار می‌رود، جملاتی که اکثریت قریب با اتفاق مردم آنها را نمی‌فهمند. در حقیقت هم نویسندگان و سخنگومان قشری اهمیتی بدان نمیدهند. برای آنها فهم معنی مهم نیست، بلکه مانند جادوگران با ذکر جملات و عبارات ورد مانند جو مخدری ایجاد می‌کنند و در آن جو مخدر زهر هلاهل خود را دزدانه در مغز و قلب شنوندگان و خوانندگان خود میریزند.

پدیده دیگری که در چند سال اخیر در ادبیات علوم اجتماعی ما اشکالات جدی ایجاد کرده است و باید با آن مبارزه می‌گیریم، و رود اصطلاحات غیر علمی و عقب‌زدن اصطلاحات متعارف علمی است. روحانیون کف‌قدرت را بدست گرفتند، مقادیر زیادی اصطلاحات عربی، متخذ از متون اسلامی همراه داشتند. این واژه‌ها غالبا فرآورده نظام پدرشاهی و قبیله‌ای در کشور-های عرب بودند و در بهترین شکل روایط و پدیده‌های موجود آن نظام‌ها را منعکس می‌کردند. این واژه‌ها به هیچ وجه نمی‌توانند بیان‌کننده روابط و پدیده‌های بغرنج جامعه کنونی ایران که نظام سرمایه‌داری در آن حاکم است، باشند. ولی بنیادگران نوزگو، به این حرف‌ها توجه نداشتند. آنها نمی‌فهمیدند و هنوز هم نمی‌فهمند که اصطلاحات اجتماعی - سیاسی مولود تکامل اجتماعی - سیاسی جوامع پیش‌سری هستند و تکامل زیر بنا، ناگزیر تکامل پدیده‌های رویانی را همراه دارد. واژه‌هایی مانند طبقه کارگر، بورژوازی، امپریالیسم، سوسیالیسم و غیره و غیره بازتاب رشد اجتماعی بشر هستند. این اصطلاحات را نه می‌توان قلب کرد و نه می‌توان خودسرانه به اصطلاحات دیگری که مولود شرایط دیگری هستند تبدیل کرد. در میان بنیادگران

از کران تا بکران لشکر ظلم است ولی از ازل تا به ابد خلوت در روشنست (حافظ)

پاسد اران جهل، جنون و جنایت که میهن عزیز و کهنسال ما را مورد هجوم ددمنشانه قرار داده‌اند بر هیچ چیز ابقا نمی‌کنند. تمام مظاهر زندگی سیاسی، تاریخی، فرهنگی و هنری کشور ما در معرض خطر قرار گرفته است. بدون بیسم از مبالغه می‌توان گفت که در تاریخ دراز کشور ما در کمتر دوره‌ای خطری بدین بزرگی هویت و فرهنگ ملی ما را مورد تهدید قرار داده است.

یکی از مظاهر موجودیت و هویت ملی ما زبان فارسی است. این زبان است که اکثریت مردم ایرا به آن سخن می‌گویند و در حقیقت رشته علقه و محبتی است میان تمام خلفای ما. این زبان که در طول اعصار و قرون با وجود از سرگذراندن طوفانهای بزرگ، جذابیت، انعطاف پذیری، غنا و اصالت خود را حفظ کرده است، اکنون در خطر قرار دارد. بنیادگرایان جهان وطن بسا زبان فارسی دشمنند و از نخستین روز استقرار قدرت جابرانه خود در صد ضرب و جرح این زبان محجوب و مظلوم و تحدید و حذف آن بوده - اند. اینها بطور مستمر کوشید ه‌اند که نام نمایندگان برجسته آنها در پوته فراموشی اندازند. بدیهی است که در این رهگذر نتوانسته‌اند و نمی‌توانستند کامیاب باشند. امروز هم مانند دیروز و روزهای پیش از آن، بارگاه پر جلال حکیم ابوالقاسم فردوسی سراینده نابغه حماسه ملی ما و حافظ، سعدی، خیام، مولوی، نظامی زیارتگاه عاشقان آزادی و فرهنگ و هنر ملی ما است. این ستارگان آسمان پهناور ادب و فرهنگ ملی ما و دها و صد ها همپایگان آنها همچنان میدرخشند و از ورای قرون به موجودات حقیقی که به ستیز با آنان پرداخته پوزخند می‌زنند.

یکی از اقدامات بنیادگرایان قشری از روز نخست کوشش برای راندن واژه‌های پارسی و تعویض آنها با واژه‌های ثقیل و غالبا نامفهوم عربی بوده. اینکار از نظر آنها نشانه‌ای است از علاقه و محبت به اسلام. بدیهی است که مساکوچکترین مخالفتی با استفاده معقول از واژه‌های عربی در زبان فارسی نداریم. واژه‌های عربی بخش بزرگی از گنجینه زبان فارسی را تشکیل میدهند و دایره آنها نه تنها در ادبیات کلاسیک ایران، بلکه در زبان عامه نیز معمول

عده‌ای بودند که متعدا در این راه گام نهادند و از آن بعنوان حربه‌ای در مبارزه با اندیشه تجدد و ترقی اجتماعی استفاده کردند. آنها میخواستند با استفاده از این اصطلاحات غیر معمول سیستم منسجم تفکر مارکسیستی را که بر پایه يك تفکر علمی بنا شده، و مقولات آن بسا اصطلاحات دقیق سکه خورده است، دچار آشوب و افشاش کنند. بدین ترتیب بود که سبیل واژه‌های غیر دقیق و گمراه کننده‌ای مانند مستضعف، مستکبر، استکبار، طاقت و غیره و بسوی گنجینه زبان اجتماعی - علمی پارسی روان شد.

اکنون که نقاب از چهره هواداران ولایت فقیه افتاده است و هرمان در زهر آفتاب ایستاده - اند باید به مبارزه بی‌امان و بی‌گیری آنها برخاست و واژه‌های گمراه کننده و نازیبائی را که بسا دسیسه وارد زبان پارسی کرده‌اند راند. باید به زبان شیرین، زیبا و دلپذیر پارسی، به زبان فردوسی، سعدی و حافظ بازگشت و از این گنجینه پر بار که با تاریخ، زندگی و روح مردم ما پیوند ناگسستی دارد بهره گرفت. در زمینه واژه‌ها و اصطلاحات اجتماعی - سیاسی، باید به روند تکاملی گذشته بازگشت. آن واژه‌هایی را که سکه خورده‌اند، دقیق و معمولند باید مانند گذشته بکار بست، و برای هر کردن جاهای خالی باید به روال گذشته، به سکه زدن واژه‌های نو پرداخت.

ما توده‌ایها از صمیم قلب به زبان، فرهنگ، هنر و ارزشهای ترقیخواهانه میهن خویش دلبسته‌ایم و پاسداری از آنها را وظیفه انقلابی خود می‌شمریم. حزب ما در طول بیش از چهل سال زندگی خود، به زبان فارسی و فرهنگ و هنر ملی ایران خدمات ارزنده‌ای کرده است. این را حتی سرسخت‌ترین دشمنان ما نیز نمی‌توانند انکار کنند. بسیاری از واژه‌های نوین سیاسی - اجتماعی معمول در زبان فارسی، دستاورد اندیشه خلاق اعضا حزب ما بوده است.

بعد از شهریور ۱۳۲۰، این حزب توده ایران بود که با انتشار مردم ضد فاشیستی، رهبر، رزم و در سالهای بعد با انتشار دهها روزنامه و مجله دیگر، از جمله هفته نامه ادبی سوگند بسوی آینده، دنیا و غیره و نشر ژورنالیسم مدرن را وارد ایران کرد. بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نیز کوشش حزب ما در این زمینه در مقیاس وسیع ادامه یافت و حاصل آن انبوهی از کتابها، روزنامه‌ها و مجلاتی است که در مقیاس وسیع از طرف حزب ما انتشار یافته است. بجه در صفحه ۶

تلفیق هشیارانه کار مخفی و علنی در شرایط کنونی
يك وظیفه انقلابی است!

اسناد وابستگی (۴)

انحصارهای ایتالیائی در ایران

وقتی ما می‌گوئیم ج ۱۰ به رغم دعوی ضد امپریالیستی، عملاً سیاست وابستگی ایران به انحصارهای چند ملیتی را ادامه داده و زمینه را برای بهره‌کشی آنها از منابع مادی و انسانی کشور فراهم می‌آورد، سخن بی‌پشتوانه ننگه‌ایم. در اواخر دیماه ۱۳۶۱ هیئت اقتصادی ایران به ریاست محمد - تقی بانکی رئیس سازمان برنامه و بودجه از ایتالیا دیدن کرد. روزنامه ایتالیائی "کوریره دلاسرا" در شماره ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲ در شماره ورود قریب الوقوع هیئت ایرانی نوشت، ایتالیا می‌تواند به عنوان واسطه بین تهران و غرب از "نفوذ شوروی" در ایران جلوگیری کند. این روزنامه تأیید کرد، که ایتالیا در حال حاضر قرارداد هائی به ارزش ۶ میلیارد دلار با ایسران امضاء کرده است.

روزنامه ایتالیائی نوشت: "یکی از مقامات معتدل ایرانی تأیید می‌کند که غرب هنوز در ایران بازی را نپاخته و در صورت اقدام می‌تواند بدون دامن زدن به یک بحران بین‌المللی، نفوذ شوروی را در این بخش کلیدی جهان کاهش دهد". نویسنده مقاله خاطر نشان می‌سازد که شخص وزیر امور خارجه ج ۱۰ پیشنهادات دولت ایران را در این زمینه به سفارتخانه‌های کشورهای اروپای غربی عرضه داشته است. وی می‌افزاید: "در استراتژی جدید ایران، ایتالیا نقش خاصی را داراست و این به ما موفقیت برتری در این بازار می‌دهد، که به صورت یک سرزمین افسانه‌ای زرخیز برای ما خواهد ماند...".

این نوشته روزنامه ایتالیائی از لحاظ گوناگون جلب نظر می‌کند. نخست باید دید از کدام "نفوذ شوروی" در اقتصاد ایران سخن می‌رود. همیشه می‌دانند، که برخلاف انحصارهای امپریالیستی و دول حامی آنها، اتحاد شوروی در هیچ رشته‌ای از اقتصاد ملی ایران به قصد بهره‌کشی از منابع صعبی و نیروی انسانی سرمایه‌گذاری نکرده و نمی‌کند، و این ناشی از خصیلت نظام سوسیالیستی است. همکاریهای اقتصادی - فنی اتحاد شوروی با کشورهای "جهان سوم"، و از آنجمله ایران، که معمولاً در سطح دولتی است، یعنی با انعقاد قرارداد های بطور عمده پایاپای بین دولت اتحاد شوروی و این یا آن کشور رشد یافته، انجام می‌گیرد، بر پایه برابری، سود - متقابل و عدم مداخله در امور داخلی استوار است. چنین مناسباتی بیسین ایران و دول امپریالیستی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. در عین حال تجربه ایران و دیگر کشورهای مشابه مؤید آن است که همکاری اتحاد شوروی با آنها، بطور عمده متوجه ایجاد صنایع بنیادی و مادر است، که انحصارهای امپریالیستی با آن شدیداً مخالف اند. مسئله باصطلاح "نفوذ شوروی" نیز از این دیدگاه از جانب جهان غرب مطرح می‌شود. زیرا همکاری همه جانبه با اتحاد شوروی، در تحلیل نهائی منجر به رشد صنایع بنیادی و مادر و مآلاً قطع نفوذ انحصارهای خارجی در اقتصاد کشور می‌شود.

هفته نامه "باشاد" (۹ خرداد ۱۳۴۵) در مقاله‌ای پیرامون علل عقب ماندگی صنعتی و انتقاد از برنامه‌های عمرانی رژیم گذشته که به وسیله کارشناسان خارجی تنظیم می‌گردید نوشت: "گزارش مقدّماتی برنامه سوم یازده راه‌نمائی برای آئین و روه رشد صنعتی بعمل آورده است که از آنجمله: باید از تولید کالا های سرمایه‌گذاری سنگین و دالاهای مصرفی بادیام اجتناب ورزید، صنایع مونتاژ را باید مورد تشویق قرار داد، از ایجاد صنایع سیمیائی باید اجتناب ورزید".

این باصطلاح راه‌نمائی‌های نمایندگان انحصارهای تک ملیتی و چند ملیتی را جز تحولات نو استعماری نمی‌توان به نحو دیگری توصیف کرد. در واقع نیز در مناسبات ایران با دول امپریالیستی و برخورد متضاد به معضلات صنعتی کشور آشکار می‌شود: نخست اینکه امپریالیسم می‌کوشد تا هر چه بیشتر بنیان نظام سرمایه‌داری را در ایران تحکیم بخشد، زیرا این مطلب جزء استراتژی جهانی اوست و از این راه می‌تواند کشور را در چارچوب

سیستم جهانی سرمایه‌داری نگاهدارد. بهمین دلیل انحصارهای خارجی برای توسعه برخی از رشته‌های صنعتی همکاری می‌کنند. ولی از سوی دیگر امپریالیسم بنابه سرشت ذاتی می‌باید شرایط بهره‌کشی از نیروهای مولد و بویژه منابع طبیعی ایران را برای خود فراهم آورد. تجربه گذشته نشانگر آن است که امپریالیسم می‌کوشد از ایجاد آن رشته از صنایع که منجر به تأمین استقلال اقتصادی ایران گردد جلوگیری بعمل آورد. ساختار ناموزون صنعتی کنونی ایران زائیده تبعیت از این استراتژی نواستعماری و بازتاب مقام ایران در تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری، به مثابه بازار فروش کالاهای انحصارهای امپریالیستی است. بهمین سبب از سوی اربابان آمریکائی به کشور ما اجازه داده نشده از عوامل بالقوه داخلی رشد، یعنی ایجاد صنایع مادر، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز حاضر به همکاری در آن زمینه‌ها بوده و هستند، استفاده کند. لذا طبیعی است، که انحصار های غول پیکر خارجی با ادامه همکاری ایران و اتحاد شوروی مخالفست می‌کنند. ولی چرا مقامات ج ۱۰ آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزند؟

دوران رژیم شاه انحصارهای جهان غرب از ایران به عنوان بازاری سود آور و سرزمینی "زرخیز" یاد می‌کردند و به کمک رژیم حاکم در غارت میهن ما و مردم آن بریکدیگر سبقت می‌جستند. در این زمینه تاریخ تکرار می‌شود و دست‌اندرکاران ج ۱۰ می‌کوشند تا گذشته را در خاطره انحصارهای چند ملیتی زنده کنند. تفسیر روزنامه ایتالیائی "کوریره دلاسرا" مؤید این حقیقت است. برای اینکه جای تردیدی باقی نماند، تفسیر این روزنامه را با اظهارات مقامات ج ۱۰ مقایسه کنیم.

آقای مهندس غرضی وزیر نفت، طی یک مصاحبه مطبوعاتی در مورد صدور گاز به شوروی گفت، به علت عدم تفاهم در قیمت گذاری گاز صادراتی به شوروی، مدتی است گاز به این کشور صادر نمی‌شود. ولی هنگامیکه از وی در باره روابط با ایتالیا سؤال شد، اظهار داشت: "در زمینه نفت بخاطر اینکه مسئولین شرکتهای نفتی دولتی ایتالیا توانستند در مورد اعطای خود با جمهوری اسلامی ایران بتوافق برسند، روابط ما با ایتالیا بسیار خوب است و روز بروز گسترش می‌یابد" (اطلاعات، ۱۷ آبان، ۶۱).

وزیر نفت به وجود اختلاف در زمینه نفت اعتراف می‌کند، بدون اینکه ماهیت آن را فاش سازد. ولی مطبوعات جهان موضوع اختلاف را می‌شکافند و می‌نویسند، جمهوری اسلامی آنچه را که انحصارهای دولتی و غیر دولتی ایتالیا به عنوان "طلب" و "خسارت" مطرح ساخته بودند تا دینار آخر برداختند و علاوه بر این تخفیف قابل ملاحظه‌ای هم در قیمت فروش نفت خام برای خریداران ایتالیائی در نظر گرفتند. چنین است ماهیت باصطلاح توافق انحصارهای ایتالیائی با ج ۱۰ رژیم با پرداخت مبالغ قابل ملاحظه - ای تحت عنوان "خسارت" راه چپاول مجدد انحصارهای امپریالیستی را در کشور هموار ساخت.

احیاء مواضع انحصارهای ایتالیائی

بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین می‌گوید: "۰۰۰ در حال حاضر کشور ما محاصره اقتصادی ندارد بلکه دنیا و بطور کلی همه شرکت های بزرگ صنعتی در دنیا به سوی ما روی آورده اند و اتفاقاً علاقمندند که بتوانند با کشور ما همکاری کنند. بنا بر این تأمین قطعات مورد نیاز ماشین آلات کارخانجات و تأمین مواد اولیه آنها در حال حاضر از کانالهایی تأمین می‌شود که در دنیا وجود دارد و آنها نیز اشتیاق دارند که این امکانات را در اختیار ما بگذارند و باید بگویم که از این بابت مشکلی نیست" (کیهان، ۲۳ خرداد ۶۳).

بهزاد نبوی اظهار خوشحالی میکند که انحصارهای امپریالیستی دنیا راه به ایران روی آورده اند و آماده تأمین قطعات مورد نیاز صنایع وابسته

اسناد وابستگی (۴)

ایران شده اند. چرا هم نباشند. آنها صنایع مونتاژ را در کشور ما برای آن بوجود آورده بودند تا دوباره بتوانند باز گردند.

انحصارهای ایتالیایی از جمله شرکت های بزرگ صنعتی مورد توجه وزیر صنایع سنگین است. آقای فرانچسکو مد زالا، سفیر کبیر دولت ایتالیا در تهران، طی سخنرانی که بمناسبت روز ملی ایتالیا ایراد کرد گفت: "پیوند های بازرگانی سنتی میان دو کشور در سالهای اخیر همانطور که از تبادلات بین ایران و ایتالیا مشهود است از ۶۸۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۱۶۹۵ میلیون دلار رسیده و استحکام بیشتری به روابط فیما بین بخشیده است." او پس از یادآوری ملاقات کورتی معاون وزیر امور خارجه ایتالیا در تهران با سران ج ۱۰ در سال ۱۳۶۲ افزود: "ملاقات ها و همکاری های بین دو کشور ایران و ایتالیا هم اکنون در سطح عالی ادامه دارد و ثمرات مفید و ارزشمندی در برداشته است." (اطلاعات، ۴ تیر، ۱۳۶۲).

حق با سفیر کبیر ایتالیا است. "سیاست دروازه های باز" که رژیم دوباره در پیش گرفته و نیز آغاز اجرای طرح های گران قیمت به ارث رسیده از رژیم گذشته، به انحصارهای ایتالیایی امکان داد تا نه تنها مواضع خود را احیا کند، بلکه پیش از پیش به توسعه آنها بپردازد.

سفیر ایتالیا گفت هم اکنون ایتالیا یکی از صادرکنندگان عمده تولدات صنعتی، ماشین آلات، دستگاه های غیر برقی و برقی، همچنین تولیدات شیمیایی و دارویی به ایران است. وی سپس اظهار داشت: "۰۰۰ ایران علاوه بر نفت، صنایع دستی و بعضی از تولدات کشاورزی را به کشور ایتالیا صادر می نماید." (همانجا)

تنها در عرصه بازرگانی خارجی نیست، که انحصارهای ایتالیایی دستاورد های چشمگیری بدست آورده اند. به گفته سفیر ایتالیا، "علاوه بر این در حال حاضر حدود ۴۰ شرکت ایتالیایی در بخش های نفت، گاز، فولاد، ساختمان بندر و جاده، خطوط فشار قوی، مرکز نیرو و تولید و سائط نقلیه، مشمول فعالیت می باشند که می توانند گروه خارجی فعال در ایران باشند." (همانجا).

درست یکسال بعد، سفیر ایتالیا در مقاله دیگری نوشت تعداد شرکت های ایتالیایی در ایران از ۴۰ به ۵۰ افزایش یافت (اطلاعات، ۲۳ خرداد ۱۳۶۲).

با این حال خامنه ای رئیس جمهوری می گوید: "ما می خواهیم بگوئیم، که یک ملت چند میلیونی بدون اتکا به بیگانه می تواند به مسائل کشاورزی، اقتصادی و فنی خود بپردازد. ما بعد از انقلاب مستشاران خارجی را اخراج کردیم و این یکی از بزرگترین دلایلی است که استکبار جهانی به ما حمله کرده است که اگر کشوری بخواهد بدون اتکا به دیگران زندگی کند مسوود فشار واقع است." (جمهوری اسلامی، ۱۸ خرداد ۱۳۶۲).

آیا افزایش ثمرات حیات فقط انحصارهای ایتالیایی، آنها طی یکسال از ۴۰ شرکت در ایران، سانگر اتکا به خود است؟ حامدای می گوید: "ما بعد از انقلاب مستشاران خارجی را اخراج کردیم." نه، آقای رئیس

جمهوری، این مردم ایران بودند که مستشاران انحصارهای خارجی را اخراج کردند و شما آنها را به کشور باز گردانیدید. هم اکنون فقط تعداد بسیار - سناسان ایتالیایی در ایران به ۱۵۰۰ نفر بالغ می شود (اطلاعات، ۲۳ خرداد ۱۳۶۲).

در ۹ بهمن ماه ۶۲ یک هیئت اقتصادی ایتالیایی متشکل از ۱۹ نفر وارد تهران شدند. سرپرست این هیئت "پرودی" رئیس گروه صنعتی "ای-آر-ای" بود و رؤسا و مسئولان انحصارهای "ایتال استات"، "ایتال ایمپانتی"، "کوندوته" و غیره از اعضا آن بودند.

شرکت "ایتال استات" در زمینه ساختمان، لوله گاز و نفت، شرکت ایتال ایمپانتی در بخش فولاد و جاده سازی، کوندوته در زمینه خطوط فشار قوی و غیره باج ۱۰ فرار د های متعددی امضا کرده اند. افزون بر این کمپانی های بزرگ ایتالیایی مانند "سادل می کوچی" (در رشته ساختمان و پیمانکاری)، "مونتوی اس. پی. آ" (در رشته پیمانکاری)، "گروه" فینیسیدر (در رشته فولاد سازی و خطوط فشار قوی)، "اس. آی. آی" (تهیه لوازم و احداث پست های فشار قوی)، "یونی موراندو" (فروشنده انواع ماشین آلات)، "تونولی" (فروشنده ماشین آلات ریخته گری، شمش، آلیاژهای لحیم کاری) و نیز شرکت های "تاماکور"، "پروتسی"، "بنتی"، "ایتال کاپس" "گاما اینترناسیونال"، "ب. ح. اس" و غیره در بازار ایران رسوخ کرده اند. حیطه عملکرد انحصارهای ایتالیایی گوناگون است: از احداث بنادر و سد ها و برق رسانی تا صنایع فلزی. در حال حاضر ساختمان پر هزینه اسکله بندر عباس، مجتمع فولاد مبارکه، نیروگاه حرارتی و شبکه توزیع برق بندر عباس، گاز رسانی کنگیران، سد لار و غیره به کمپانی های ایتالیایی واگذار شده است. انحصارهای ایتالیایی طرح های انتقال گاز مارون، اصفهان نیروگاه حرارتی اصفهان، ساختمان جاده تربت - زاهدان را نیز بعهده دارند.

پس از پایان بازدید هیئت اقتصادی ایتالیا از ایران (۹ بهمن ۶۲)، رئیس هیئت، پرودی اظهار امیدواری کرد که انحصارهای ایتالیایی در جهت توسعه صنایع غذایی و ساختمانی و فولاد سازی با ایران همکاری خواهند داشت. دکتر روحانی معاون وزیر راه و ترابری در گفتگویی با "اطلاعات" گفت: "مذاکراتی پیرامون مسائل بندر سازی بخصوص بندر بزرگ چابهار با هیئت ایتالیایی صورت گرفت." (اطلاعات، ۱۳ بهمن ۶۲).

طرح بندر چابهار یکی از طرح های عظیم نظامی دوران رژیم گذشته بود، که مظهر جاه طلبی و بلند پروازی شاه معدوم در اجرای سیاست نظامی گری بشمار می رفت. احداث این بندر بزرگ نظامی جز "استراتژی امپریالیسم آمریکا برای تبدیل ایران به ژاندارم خلیج فارس بود. پس از پیروزی انقلاب به من ۵۷، اکثر سران ج ۱۰ بارها این طرح را مسوود انتقاد دادند و بالاخره شورای انقلاب تصمیم به لغای آن گرفت. اینک که حکام ارتجاعی ج ۱۰ سیاست ایران برانداز، همپوندی با امپریالیسم را در پیش گرفته اند، احبا این پروژه چند میلیارد دلاری نیز مانند دیگر طرح های تجملی دوران شاه در دستور روز فرار گرفته است.

ادامه دارد

زن ایرانی ...

بچه از صحنه ۲

ای زندگی می کند که مادرانش شیرمردانی تربیت می کند که لیزه براندام استکبار جهانی می اندازد. این زنان باید خاطر امت شهید پرور را بگذرانند نمایند.

آقای امامی که شایر بخوبی می داند که حاضر مردم نه اردیده شدن موی زنان، بلکه از کثافت کاری های ارتجاع حاکم مکر است. حاضر مردم از این مکر است که نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ ساله را در رسته ها و خوابانها گول می زنند و می دزدند و برای خنثی کردن مداخلات سیاسی به آفوش مرگ حتی می فرستند، از اینکه سرمایه داران دوران شاه از نو بر سر نوشت کارگزاران

و زحمتکشان مسلط شده اند، از اینکه خانها و ملاکان بزرگ دوباره به کت "پاسداران" به روستاها بازگشته اند و آنگاه رسیدار می کنند که روستائیان گروه گروه زاده خود را ترک و راهی شهرها می شوند، آری خاطر مردم از این مکر است که جنایت و فساد همراه با حفاظت و عوام فریبی، سراسر جامعه را فرا گرفته است.

در قطعنا های که البته "شورای تبلیغات اسلامی" آرا فیلاتیبه کرده بود از نو مسائل ارتجاعی و ضد خلفی و ضد ملی مورد نظر جناح های مختلف حاکمیت گنجانیده شده بود. از جمله "اصلی شمردن مسئله جنگ"، "فحشا و بی بند و باری نامیدن دیده شدن موی زنان"، "خواستار وضع قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی برای مبارزه با آزادی زنان و همچنین محکوم شمردن هرگونه

جنبش و نظاهرات مردمی بدون اجازه حکام مزبج!

نعام کوشش، "شورای تبلیغات اسلامی" بعنوان سخنگوی ارتجاع حاکم، از براه انداختن جبارو جنجال، سراسری این بود که باز هم توجه مردم را از مسائل اصلی کشور منحرف کند و عدم رعایت "حجاب" را بزرگترین معضل اجتماعی وانمود نماید. اما زنان ایرانی در سالهای اخیر نشان داده اند که حقوق حقه انسانی خود را می شناسند و هیچگونه تهدید و شلاق زدن و جنایتکاری نمی توانند زحمتکش ایرانی را از مبارزه برای آزادی و برابری، حقوق اجتماعی، بیماز دارد، بویژه که تمام مردان زحمتکش و روشنفکر ایرانی در این پیکار دشوار با ارتجاع قرون وسطائی پار و همسنگر خواهران همسران و سنادران و دختران خود هستند.

امنیت برای مردم ...

بقیه از صفحه ۱

برای کدام طبقه؟ و امنیت موجود در جامعه ما جز کد امیک از د و نوع امنیت مورد نظر آقای کنی است؟

بعد از انقلاب، رژیم، کارگران متری را که حاضر نبودند به فعال مایشائی سرمایه داران و سیاستهای ضد کارگری حاکمیت ج ۱۰۰ کردن نهند، تحت عناوین مختلف از کار اخراج و بسیاری را زندانی و حتی اعدام کرده همینطور کارمندان مؤسسات دولتی و اداری، استادان، دانشجو-یان و دانش آموزان را. این سیاست در شرایط کنونی نیز به شیوهها و بهانههای گوناگون ادامه دارد.

عباس موسوی، نماینده مجلس، نسبت به حذف نیروهای دلسوز به انقلاب هشدار داد. (اطلاعات ۱۳ تیر ۶۳) غلامرضا رحیمی، نماینده ماهشهر اظهار داشت: "برکناری افسر اد متعهد و دلسوز از ادارات همچنان ادامه دارد. عدای با نفوذ و با تمام امکانات به جان آنها افتاده و پس از لکه دار کردن حیثیتشان از سازمانها و ادارات اخراجشان می کنند و افراد زیون و متعلق به عنوان متخصص و مدیر به جایشان گماشته می شوند" (اطلاعات ۴ تیر ۶۳). این افراد دلسوز و متعهد اخراجی، توده های فدائی، مجاهد و "ملحد" نیستند، آنها از مردم عادی و اغلب معتقد به اسلام هستند که حاضر به پذیرفتن امر و نهی ها، تبعیض ها و نقض حقوق خود نبوده و "زیون و متعلق" نیستند و به همین دلیل از جانب "چشم و گوش" های ارتجاع محکوم به اخراج هستند. از اینرو سخن از امنیت مردم در محل کار، که آقای کنی از آن دم می زند ادعای بی اساسی بیش نیست.

آقای خامنهای در مراسم فارغ التحصیلی پاسداران شرکت کننده در طرح مالک اشتر گفت: "اگر چنانچه افرادی در جبهه های جنگ، در هر لباسی بخواهند با سیاست بازی ذهنها را مشغول نمایند و به هر کیفیتی دنبال کارهای سیاسی بروند به هیچ وجه قابل قبول نیست و باید جلوی آن گرفته شود" (اطلاعات ۱۱ تیر ۶۳). به بیان روشنتر هر کس در هر لباسی (ولو آنکس مذهب و معتقد به اسلام باشد) به خود جرات اندیشیدن در باره علل ادامه جنگ و فرجام آن را بدهد و سیاست رژیم را بی چون و چرا تأیید نکند، قابل تحمل نیست. آیا ایجاد چنین جو ارساب و تهدید در جامعه، گورستان مورد نظر آقای کنی را تداعی نمی کند؟ گورستانی که در آن صدای کسی در نمی آید.

در روستاها وضع از چه قرار است؟ مصطفی نادری نماینده مردم زنجان می گوید: "به شورای عالی قضائی تذکر می دهم که نسبت به وضع هیئت های هفت نفره زمین که متأسفانه امروز به صورت کدخدائی برای خوانین فراری و خبیث در آمده اند رسیدگی نماید. ۰۰ باید با کمال تأسف بگوم که خوانینی که جرات آمدن به

از زبان پارسی ...

بقیه از صفحه ۳

ما نه تنها به زبان فارسی ارج می گذاریم و حراست از آن را وظیفه میهنی خود می شمیریم، بلکه به زبانهای سایر خلقهای ایران، از کوچک و بزرگ هم بهمان اندازه احترام می گذاریم و حفظ و رشد آنها را وظیفه خود می شمیریم. این حق، بنحو یکسان متعلق به تمام خلقهای کشور است.

آخوند های قشری و متحجر که گوته نظرانسه جهان را به کام خوش می بینند، کار را به آنجا کشید هاند که از نام وزارت دفاع ملی، کلمه ملی را حذف می کنند. اینها با مجلس شورای ملی هم ناساختند، و اسلامی را بجای آن نشانند. ما توده ایها، این اقدامات را قویا محکوم می کنیم. ما نه تنها با کلمه ملی مخالف نیستیم، بلکه با تمام قوا، از استقلال ملی، حقوق ملی، فرهنگ و هنر ملی، و در یک کلمه از هر آنچه که مؤید و مقوی هویت و حاکمیت ملی باشد دفاع می کنیم. قشریون حاکم که کمر به قتل ملی و ملت بسته اند، همانها هستند که به حرف از مبارزه ملت فلسطین دفاع می کنند. آنها یک لحظه فکر نمی کنند که مبارزه خونین و پر رنج ملت فلسطین، در درجه اول برای احراز هویت و حاکمیت ملی ملت فلسطین است. آنها برای احراز حقوق ملی خود اینگونه مبارزه می کنند و در کشور ما بنیاد گران از اصطلاح دفاع ملی، ملی را حذف می کنند، و کلمه ملی را به دشنامی بدل ساخته اند.

مبارزه علیه این روند ناهنجار وظیفه ملی و میهنی تمام مردم آزاده و میهن پرست و ترقی خواه ایران است.

"نامه مردم" ...

بقیه از صفحه ۱

رفیق بهروز می نویسد: "ای کاش می دانستید که از شدت شادی چگونه بغض گلیم را گرفته بود. برای اولین بار که "نامه مردم" را دیدم چند لحظه ای به آرام آن در صفحه اول خیره شدم. گوئی میلیونها زحمتکش را می دیدم که دورا می کشیدند. نامه مردم خاری است در چشم ارتجاع و امپریالیسم ..."

رفیق آذر می نویسد: "چنان پر شد فضای سینه از دست، که فکر خوش گم شد از خمیرم. در این سکوت و ظلمت وحشتناک چاپ مجسدت "نامه مردم" جقدر نوید بخش است. آن را چنان به سینه می فشارم که غریقی، ساحل نجات را یاد بچهما می افتم که چطور "نامه مردم" را در خباها-نها و سر چهار راهها در دست می گرفتند و می فروختند. "آی مردم"، "نامه مردم"، "آرام"، متین، استوار، آماده برای روی بردن با هر نوع خطر و جوا بگو برای هر نوع سوال. هنوز روی بعضی از دیوارهای تهران خوانده می شود، "نامه مردم" را بخوانید!"

هواداران حزب در فرانکفورت نوشته اند: "تبریک و شاد باش ما را به مناسبت انتشار مجدد

بقیه در صفحه ۸

روستاها راند اشتند امروز با امکانات دولت و بسا کمک نیروهای انتظامی املاک و باغهای غصبی آنان را از روستائی ها گرفته و به آنان جهست عیاشی ها و خوش گذرانیهایشان برگردانند می شود" (اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۶۳). واضح است که با در نظر گرفتن سیاست کلی رژیم نسبت به دهقانان، از جمله خودداری از انجام اصلاحات ارضی، بازگرداندن خوانین فراری و پس گرفتن زمین از محرومان روستائی، از امنیت برای روستا-ئیان که آقای کنی "تضییح نشدن حق" را یکی از وجوه آن می داند، نمی توان سخن به میان آورد.

واقعیهائی یاد شده، به عنوان مثنی نمونه خروار، مؤید آن است که امنیت مورد ادعای رهبران ج ۱۰۰ امنیت واقعی و در جهت منافع زحمتکشان نیست، بلکه امنیتی است در جهت تأمین و تسهیل شرایط بهتر و بیشتر برای سرمایه داران و مالکان بزرگ. آقای کنی می گوید: "امنیت است که می تواند جاذب سرمایه ها باشد و امنیت است که می تواند مولد باشد. ۰۰ اگر ملتی بخواهد سرمایه ها را جذب کرده و بکار بیندازد. ۰۰ باید در امنیت به معنی مطلق کلمه زندگی کند. ۰۰ هر کس و هر سازمان، چه دولتی و چه غیر دولتی، در سایه این امنیت بداند وظیفه اش چیست؟ و محدوده کار و اختیاراتش و آثار فعالیتش چقدر است. ۰۰ در این کشور مسائل اقتصادی نمی تواند پیش برود و قهرا امنیت اقتصادی لازم است."

آقای کنی به وضع فعلی غارت بی بند و ببار استثمارگران اکتفا نمی کند و خواهان "امنیت به معنی مطلق کلمه" به منظور چپاول هر چه بیشتر آنهاست. امنیت مورد نظر ایشان تنها در صورتی برقرار می شود که دهقان در برابر تعدی مالک، کارگر در مقابل حرص و آز بی پایان کارخانه دار و نظامی نسبت به سیاست ماجراجویانه و جنگ-افروزان سران رژیم سکوت مطلق اختیار کند. به یک سخن، مردم تسلیم مطلق حاکمیت ج ۱۰۰ بشو-ند تا "امنیت مطلق" برای "جذب سرمایه ها" فراهم گردد. این، همان امنیت گورستان است که در گذشته تحت لوای "ضرورت دستیابی به تمدن بزرگ" و امروز زیر عنوان "ضرورت پیاده کردن احکام شرع" وسیله تأمین منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و انحصارات چند ملیتی امپریالیستی است.

مردم ایران معتقدند که طبقات غارتگر و سران رژیم هستند که با تصاحب حاصل رنج و کار کارگران و دهقانان، اخراج بی روه زحمتکشان و کارمندان دلسوز و متعهد، استادان، دانشجو-یان و دانش آموزان، گسیل اجباری جوانان به جبهه های جنگ، بره انداختن گشتهای "مبارزه با منکرات" و غیره امنیت واقعی را از جامعه سلب کرده اند. آرامش واقعی و پیشرفت اقتصادی اجتماعی در یک جامعه تنها به شرطی حاصل می شود که منافع کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان از طریق مبارزه قاطع با کلان سرمایه داران، بزرگ زمینداران و امپریالیسم تأمین شود.



حل مشکل مسکن به بساز و بفروش ها واگذار شد

مسکن یکی از نیازهای اساسی هر فردی است. بی مسکنی بزرگترین فاجعه برای یک خانواده بشمار می رود. در کشور ما میلیونها خانوار با این فاجعه روبرو هستند. پنجسال پس از انقلاب، هنوز هم دولت بر ناه مدونی در باره مسکن ندارد. پنج سال است به توده های مردم وعده میدهند و عمل نمیکنند. وعده آقای موسوی اردبیلی هنوز هم در گوشه طین انداز است که گفت: "مسکن باید مانند نان و بسادگی در اختیار نیازمندان قرار گیرد". ولی نتیجه چه شد؟ به نوشته "اطلاعات" (۱۴ تیرماه ۶۳) مسکن "دچار آنچنان بی برنامهگی شده است که وقتی از آن صحبت می شود هیولائی را تداعی می کند".

پنج سال پس از انقلاب، نبود مسکن و افزایش مستمر گرایش خانه، سبب شده، میلیونها ایرانی از وسایل رفاهی اولیه چشم پیوشند و همیشه در بی تا، مین اجاره خانه باشند و یا جواب کسردن صاحبخانه برای آنها بصورت کاپوس و حشتراشی در آید.

در مرداد ماه سال گذشته، رئیس کل بانک مرکزی ارقامی ارائه داد که به موجب آن کمبود فعلی مسکن حدود دو میلیون تخمین زده شده است و با در نظر گرفتن رشد جمعیت سالانه ۳/۱ درصد و استهلاك ۱/۶ درصد ساختمان های کنونی، طی برنامه اول بایستی ۲۴۰۵۰۰۰ واحد مسکونی در سراسر کشور ساخته شود (اطلاعات، ۱۱ دیماه ۶۲).

قرار بر این بود که در سال اول با اصطلاح برنامه پنجساله، یعنی سال ۳۱۷،۶۲ هزار واحد مسکونی احداث گردد. به گفته رئیس بانک مرکزی، رقم واحد مسکونی برای سالهای اول برنامه اول، تنها برای پاسخگویی به نیاز ناشی از تقاضاهای جدید و استهلاك می تواند کافر باشد و نقشی در جبران کمبود و میلیون واحد کنونی ندارد. (همانجا).

در سال گذشته حتی یک پنجم واحدهای مسکونی در نظر گرفته شده ساخته نشد. اطلاعاتی که چندی پیش از طرف سازمان مسکن انتشار یافت حاکی از آن بود که تا پایان سال ۶۳ بنا ۴۶۰۰ واحد مسکونی در مناطق شهری ایران تکمیل می شود و ۱۶۰۰ واحد مسکونی در دست تعمیر است. علاوه بر این ۳۵ هزار واحد مسکونی هم از طرف بخش خصوصی ساخته خواهد شد. به دیگر سخن در سال جاری در صورت اجرای این برنامه فقط ۲۹۶۰۰ واحد مسکونی در کشور ساخته خواهد شد و این در حالی است که طبق برنامه اول، در این سال ۳۵۸۰۰۰ واحد مسکنی می بایست احداث کرد.

حسی اگر برنامه دولت سز تخفیف می یافست گرهی از معضل مسکن نمی گسید. اکثر واحدهای مسکونی در شهرها فاقد ابتدائی ترین وسائل زندگی هستند. به موجب آماري که در سال ۱۳۵۵ انتشار یافت در ایران برای هر ۸ نفر

فقط يك خانه وجود دارد. به عبارت دیگر برای هر ۱۰۰۰ نفر ۱۱۷ خانه موجود است. طبق برآوردی که در همانسال بعمل آمده بود، برای رسیدن به هدف يك خانه برای يك خانده، ۱۳۷۱ به ۷/۸ میلیون برسد. در سال ۱۳۵۵ فقط در شهرهای ایران ۱۱۹۴ هزار خانوار فاقد مسکن بودند. تعداد آنها در حال حاضر به ۱۸۰۰ هزار خانوار بالغ شده است. بایست خاطر نشان ساخت که در آمارگیری سال ۱۳۵۵ هزاران کپه، زاغه و آلونک نیز در شمار واحدهای مسکونی به حساب آمده بود.

و اما در روستاها وضع از چه قرار است؟ آمار سازمان ملل حاکی است که ۳۰/۱ درصد مسکن روستائی (که اکثرا گلی و خشتی هستند) دارای يك اتاقند و در ۴۸/۸ درصد مسکن های روستائی در هراتاق سه نفر و یا بیشتر زندگی می کنند. فقط ۳/۷ درصد مسکن روستائی از برق و تنها ۰/۷ درصد آنها از آب لوله کشی استفاده می کنند.

چنین است وضع وحشتناک مسکن در کشور ما. سرانج ۱۰ به جای عمل، وعده سرخرمین می دهند و وقت گذرانی را پیشه خود ساخته اند. برنامه اول پنجساله، سهم بخش خصوصی را در اجرا، تحقق برنامه مسکن ۷۲/۱ درصد و سهم دولت را ۲۷/۹ درصد تعیین کرده، که بسه معنای سپردن سرنوشت مردم به دست صاحبان ثروت است. رئیس بانک مرکزی ج ۱۰ می گوید: "سیر تصاعدی افزایش قیمت فروش و اجاره، احتیاج به مهار و لگام جدی و محکم دارد که مهمترین عرضه بیشتر و ایجاد توازن هر چه سریعتر میان عرضه و تقاضا است و راهی وجود ندارد جز اینکه مسکن ساخته شود. در این مرحله و این شرایط چندان مهم نیست که چه کسی بسازد، بخش دولتی یا تعاونی و یا خصوصی".

آقای رئیس بانک مرکزی سفسطه می کند. اینکه چه کسی مسکن بسازد، بخش دولتی یا بخش خصوصی، دارای اهمیت فوق العاده ای است. مردم ایران سیستم "بساز و بفروش" حاکم در دوران رژیم شاه را یکبار آزمایش کرده اند. سیر تصاعدی افزایش قیمت فروش و اجاره، که رئیس بانک مرکزی ضرورت مهار کردن آنرا مطرح می سازد، زائیده همان سیستم مطروحه "بساز و بفروش" و سپردن سرنوشت میلیونها ایرانی به دست مشتق صاحبان ثروت بیکران است. اینکه امروز اکثر مستأجرین حدود ۷۰ درصد درآمد ماهانه خود را به صورت اجاره به مالکین پرداخت می کنند، محصول سیادت مطلق بخش خصوصی در ساختمان مسکن است. حیرت آور آنکه دولتی این سیاست را مطرح می سازد، که طبق اصل ۴۳ قانون اساسی ج ۱۰ موظف به تأمین مسکن برای شهروندان است.

با سپردن حل معضل مسکن به بخش خصوصی، این مشکل کمز مسکن هیچگاه مرتفع نخواهد شد. روزنامه "اطلاعات" (۱۴ تیرماه ۶۳) پاسخ یکی از "برادران بازاری" را درباره مسکن درج کرده است. "برادر بازاری" می نویسد: "باید توجه داشت در زمانهای سابق چندین خانواده در يك واحد مسکونی با صفای زندگی می کردند، ولی امروزه هر يك از ما خواهی مستغلات ویژه هستیم و این نشدنی است. زیرا جامعه ما پرتوقع است و همه جا را هم اگر مسکن کنیم باز توقعات فراوان دیگر ببار خواهد آمد.

راه حل مسئله مسکن آشنا کردن مردم با زندگی پدران و مادران و نیاکان ما است. این آقای بازاری، که خود صاحب مستغلات ویژه و بی خبر از درد بی مسکنی است، آیا نمی داند که هم اکنون میلیونها انسان در شهرها و روستاهای کشور، در زاغه ها و آلونک ها و چادرها و حتی غارها زندگی می کنند؟ مسئله مسکن در پیوند نزدیک با مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی است و نمی تواند جدا از آنها مورد بررسی قرار گیرد. این مشکلات فقط در چار - چوب تحولات بنیادی در جامعه قابل حل است.



رویدادهای جهان

ابتکار تازه اتحاد شوروی برای حل مشکل خاور نزدیک

روز یکشنبه گذشته اتحاد شوروی پیشنهاد های تازه ای را برای حل همه جانبه، عادلانه و پایدار مشکل خاور نزدیک در میان گذاشت. اتحاد شوروی بر این عقیده است که دستیابی به صلح پایدار در خاور نزدیک تنها در صورت کوشش صادقانه همه طرفهای ذینفع امکان پذیر است.

بنا به گزارش خبرگزاری تاس، اتحاد شوروی شش اصل را بعنوان پایه مذاکرات پیشنهاد کرده است: بازگرداندن تمام سرزمینهای عربی اشغال شده در سال ۱۹۶۷، شناسایی حق خلق عرب فلسطین که تنها نماینده قانونی سازمان آزادی بخش فلسطین است برای ایجاد یک دولت مستقل

فلسطینی در ناحیه اردن غربی و نوار غزه، پیوستن بخش شرقی اورشلیم به کشور فلسطین و تضمین حق همه کشورهای منطقه به زندگی مستقل و مطمئن.

بعنوان تنها راه صحیح و موثر برای حل بنیادی مشکل، اتحاد شوروی گفتگو در چارچوب یک کنفرانس بین المللی زیر چتر سازمان ملل متحد و با شرکت سوریه، اردن، مصر، لبنان، اسرائیل، سازمان آزاد بخش فلسطین، اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را پیشنهاد میکند. در مراحل بعدی، دیگر کشورهای خاور نزدیک نیز میتوانند در مذاکرات شرکت کنند.



"فرته آمیلیو" فعالیت قانونی خود را از سر گرفت

رژیم نظامی اروگوئه زیر فشار محافل دمکراتیک اجتماعی مجبور شد ممنوعیت جنبش خلقی "فرته آمیلیو" (جبهه گسترده) را لغو کند و حقوق سیاسی هزاران تن از اعضای آنرا باز شناسد. به این ترتیب حزب سوسیالیست، حزب دمکرات مسیحی و چند حزب دیگر که از یازده سال پیش بدنبال کودتای نظامی در اروگوئه غیرقانونی اعلام شده بودند فعالیت خود را از سر گرفتند.

حزب کمونیست اروگوئه رد دیگر احزاب چپ عضو "فرته آمیلیو" همچنان غیرقانونی باقی مانده اند رفیق ردنی آرسمندی دبیر اول حزب کمونیست اروگوئه علنی شدن "فرته آمیلیو" را به عنوان گامی پراهمیت در راستای روند دمکراتیزه کردن زندگی در کشور ارزیابی کرد. کمونیست ها همچنان برای بدست آوردن حق فعالیت علنی مبارزه خواهند کرد.

"نامه مردم" ...

بقیه از صفحه ۶

"نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران در پی موفقیتهای پیروزی شمارا در امر خطیری که در پیش دارید آرزو می کنیم.

رفیقی با نام مستعار "۱۸۱" می نویسد: "همسرم تلفنی به من خبر داد که "نامه مردم" منتشر شده، یکباره تمام بدنم از شوق لرزید. گفتم: یکبار دیگر بگو! گفت: "نامه مردم" منتشر شده، "نامه مردم" فریاد زد: به کسوری چشم خفاشان خورشید سر زدا به رسم مزدگانی پیراهن سپیدی به پاکی حرب و گل سرخی به رنگ خون شهدای حزب به همسرم دادم. در خانه ما درخت شادی سر به آسمان می سائید ... جاودان باد مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، درودی پایان به کمیته مرکزی حزب توده ایران."

هواداران حزب در کلن نوشته اند: "با تبریک و اظهار مسرت از ظهور مجدد "نامه مردم" در عرصه پیکار، دستیابی هر چه زودتر به اهداف حزب را آرزو می کنیم."

یکی از رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می نویسد: "انتشار نامه مردم در این شرایط حیاتی و خطیر نقش بسزایی در رونق آگاهی بخشیدن به مبارزان راستین و میهن پرست خواهد داشت. از طرفی نشانه آن است که برخلاف ادعای دروغین مزدوران رنگارنگ امپریالیسم، کار بازسازی حزب و سامان بخشی آن به طرز شگفت انگیزی صورت می گیرد. پیروز باشید."

رفیق آنا که یکی از برادرانش به دست جانیان رژیم گذشته شهید شده و دیگری هم اکنون زیر پنجه دژخیمان جمهوری اسلامی است، می نویسد: "با رسیدن "نامه مردم" فریاد کشیدم، کوه به کوه نمی رسه، اما "نامه مردم" به مردم می رسه. شاخه را می توان شکست، ولی ریشه را نمی توان

کند. تنها احق ها می کوشند این صدا را خاموش کنند. اما تاریخ نشان داده و تجربه کرده که دیکتاتوری و خفقان پایدار نمی ماند و پیروزی از آن مظلومان و رهروان راه حسیق و عدالت و آزادی است. ..."

یکی از هواداران حزب می نویسد: "سه روز پیش "نامه مردم" دوره جدید به دستم رسید. بعد از یک سال و نیم توانستم برای اولین بار از ته دل بخندم. ... از این که یک هوادار ساده حزب هستم به خودم می بالم."

رفیق پرویز می نویسد: "نامه مردم زبان حق گوی مردم قهرمان میهن ما و آینه ای از واقعیت ها در سطح بین المللی است، امیدوارم خلاء ایجاد شده در مبارزات مردم، با رهبری حزب و رهنمودهای "نامه مردم" پر شود."

رفیق روزبه با استفاده از شعر حکیم ناصر خسرو می نویسد: "پرسنده همی رفتم از این شهر به آن شهر، چوننده همی گشدم از این بحر به آن بر، با قوت منم اینک و خورشید من آن کس، کز نور وی این عالم تاری شود انور. ... با انتشار "نامه مردم" بار دیگر این حقیقت به اثبات رسید که هیچ قدرت ارتجاعی و ضد توده ای قادر نیست که صدای حق طلبانه توده ها را خفه کند. ... تاریخ حزب، سراسر مبارزه بحاطر رهائی مردم از قید و بند اسارت خفاشان آدم نما بوده و خواهد بود. ..."

رفیق سهیلا نوشته است: "انتشار مجدد "نامه مردم" را به شما تبریک می گویم، آرزوی پایداری شما را دارم. برسد روزی که باران ماند پرندگان آزاد بر آفتابنوس زندگی و آلمانها و انسانی پرواز کنند."

رفیق ستاره می نویسد: "کسب موفقیت روز افزون "نامه مردم" خواست انسانی هر انسان است."

رفیق شاعر، حد آتش دل برای برآمد "نامه مردم" شعر زیبایی سروده که قسمت-

هائی از آن را نقل می کنیم: "ماهی به پشت ماه و سالی به پشت سال / انگار کن هزار سال تمام است / در جمع ما نبود شمع وجود تو ای امید. ای حافظ قیام / با ما بگو شبانه از کدام روزن محبس برآمدی؟ / خوش زی - و شاد باش / قدمی کنی تو باز، تو را مردم / فریاد می کنند / در قامت فدا. ..."

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

کمکهای مالی رسیده:

۲۰۰ مارک، ارتکل
۱۸۱۸، از استکهلم
۲۰۰ کرون
۲۰ الف

NAMEH MARDOM No.9	P B 49034 1002B Stockholm 49 Sweden
AUG. 2, 1984	
Price	
W. Germany	1,00 DM
France	3,00 fr
Austria	8 öS
England	30 p
Italy	600 L.
USA	40cts